

Explanation of the Theoretical Framework of Power in Islamic Jurisprudence with Emphasis on Imam Khomeini's Thought

Mostafa Montazeri

Assistant Professor of Political Science, Department of Law, Theology and Islamic Studies, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Golestan, Golestan, Iran.

Email: m.montazeri@gu.ac.ir

 0000-0001-8653-7543

Abstract

The pursuit of establishing a new Islamic civilization and countering prevailing deviant discourses requires a nuanced understanding of power, firmly rooted in religious principles and aligned with authentic human experiences. This necessitates the development of a comprehensive theoretical framework. This research leverages the jurisprudential teachings of Imam Khomeini (may his soul be sanctified) and his interpretation of the hadith "The Three Knowledges" to explore the meaningful relationships among the three levels of humanity, the three domains of jurisprudence, and the three principal areas of vital sciences. The interconnections among these elements and their multifaceted impacts form the foundation of this study and contribute to the construction of a "jurisprudential theoretical framework." By integrating power within this framework, the concept of "jurisprudential power" is introduced, providing the basis for the "formulation of jurisprudential power." This article elaborates on the definitions of the various fields of jurisprudence, examines their thematic elements, and delineates their respective missions and functions in both individual and societal contexts. Additionally, it analyzes the six-dimensional effects of these fields of jurisprudence, addressing both their reinforcing and diminishing influences. The findings yield a novel conceptualization of the semantic system, hierarchies, missions, objectives, examples, and effects of power, collectively referred to as the "theoretical framework of jurisprudence," with the aim of promoting humanization and civilization. The study employs a descriptive-analytical methodology supported by comprehensive library research.

Keywords: power, theoretical framework, jurisprudence, Islam, Imam Khomeini.



تبیین چهارچوب نظری قدرت در منظومه فقهی اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی^(ره)

مصطفی منتظری

استادیار علوم سیاسی، گروه حقوق، الهیات و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گلستان، ایران.

Email: m.montazeri@gu.ac.ir

 0000-0001-8653-7543

چکیده

حل معمای پیچیده قدرت در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی و تغییر در گفتمان‌های انحرافی رایج در دنیا، نیازمند شناخت صحیح و جامع از قدرت، در مبانی دینی و منطبق با شئون حقیقی انسانی و نهایتاً دستیابی به یک چهارچوب نظری مستحکم است. به همین خاطر، بهره‌مندی از دکترین فقهی امام خمینی^(ره) و تفسیر او از حدیث «العلم ثلاث»، مبنی بر نسبت معنادار مراتب سه‌گانه انسان و عرصه‌های سه‌گانه فقه و سه ساحت اصلی علوم حیاتی و لزوم تطابق این‌ها با یکدیگر و اثرگذاری‌های چندوجهی این سه‌گانه‌ها بر یکدیگر، اساس حرکت این پژوهش را بنیان نهاد و «چهارچوب نظری فقهی» را، به‌عنوان یک مدل فراگیر، شکل داد. با پیوند قدرت با این چهارچوب، مفهومی به نام «قدرت فقهی» معرفی شد که بر این اساس، به ترسیم «صورت‌بندی قدرت فقهی» مبادرت شد. با تبیین معانی عرصه‌های قدرت فقهی، موضوع‌شناسی هر یک، تعیین رسالت و مأموریت‌های آن‌ها، غایت‌شناسی کارکرد هرکدام در ساحت‌های فردی و اجتماعی و نهایتاً تبیین آثار شش‌وجهی متقابل عرصه‌های قدرت فقهی، چه در جهت تقویت و چه در جهت ضعف، تصویر نوینی از منظومه معنایی، مراتب، مأموریت‌ها، اهداف، مصادیق و آثار قدرت به نام «چهارچوب نظری قدرت فقهی» برای انسان‌سازی و تمدن‌سازی ترسیم گردید. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: قدرت، چهارچوب نظری، فقه، اسلام، امام خمینی^(ره).



مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که گذر زمان اهمیت آن را بیش‌ازپیش روشن ساخت و میزان انحراف بشر از درک صحیح و تجویز ره به رشد آن، به بلای خانمان‌سوزی مبدل شد، مفهوم و شیوه به‌کارگیری «قدرت» است. بر اساس اینکه چه درکی از معنای قدرت، هدف استفاده از آن، حدود و ثغور آن و انواع و اقسام کاربردهای آن ارائه می‌شود، سرنوشت انسان و ملتها و بلکه جهان تغییر خواهد کرد. از این رو، برای تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، که «مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی در چهارچوب حقوق و اخلاق اسلامی» است (اجاقی و آقایی، ۱۳۹۹) یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که باید ابعاد مختلف آن شفاف و کارکردهای آن، بر اساس منطق اسلام، مدل‌سازی شود، همین مسئله «قدرت» است.

اعتقاد امام خمینی ^(ره) همواره، چه در دوران نهضت و چه در دوران رهبری، این بوده است که «فقه اسلام»، یک برنامه کامل و جامع برای زندگی مردم است که توان اداره انسان و اجتماع را دارد و با تمام احتیاجات انسان هماهنگ و موافق است (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲۲) از این زاویه، ماهیت حقیقی حکومت را، فلسفه عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت معرفی کردند که در برخورد با تمامی مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی برنامه دارد. امام خمینی ^(ره)، هدف از برپایی حکومت را تحقق عملی و عینی فقه در پاسخ به نیازها و معضلات فردی و اجتماعی می‌دانند که همه ترس استکبار نیز از همین موضوع است. از این رو، در یک دستورالعمل جامع و ماندگار، بر اساس منطق اسلام در رشد و تعالی انسان و جامعه، با این بیان که فقه «تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور» است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۹۰)، آن را به‌عنوان «دکترین اداره جامعه اسلامی» معرفی و تجویز نمودند.

بنابر این، با عنایت به درهم‌تنیدگی قدرت و اداره جامعه و ضرورت مراجعه به فقه اسلام در تمام امور، این مقاله، بر آن است تا مفهوم، ابعاد، کارکردها و حدود و ثغور قدرت در انسان‌سازی و جامعه را در قالب «چهارچوب نظری قدرت فقهی» صورت‌بندی نماید.

فرایند دستیابی به این هدف، شامل بازشناسی مفهوم، عرصه‌ها و ابعاد فقه و همچنین تبیین علوم حیاتی مورد نیاز انسان در نسبت با شئون حقیقی آن، می‌شود. همچنین، این‌گونه پژوهش‌های راهبردی، که هدف اصلی آن‌ها «مرتفع ساختن نیازهای سیاست‌گذاران در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری» است (حاجیان،

۱۳۹۵)، می‌توانند گامی در جهت بسط گفتمان اسلام در اداره جامعه انسانی و نظریه‌پردازی در این زمینه باشد و حرف جهانی اسلام را در قالبی جهانی عرضه کند. آثار ارزشمندی به مسئله قدرت در معارف اسلامی به‌طور عام و با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) به‌طور خاص، پرداخته‌اند، نظیر: بازشناسی مفهوم قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی (حجت‌زاده، ۱۳۸۷)، مشروعیت قدرت سیاسی در اندیشه امام خمینی (نصرت پناه، ۱۳۸۶)، ساخت قدرت سیاسی از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای (راد، ۱۳۸۷)، قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی (فلاح‌زاده، ۱۳۸۰)، ولایت فقیه، قدرت و نظارت از دیدگاه امام خمینی (باوی، ۱۳۷۶)، مبانی مشروعیت قدرت سیاسی از نظر امام خمینی (حمیدرضا گردشتی)، کنترل قدرت و نظارت بر حاکمان از دیدگاه امام خمینی (عبدپور، ۱۳۸۴). با این وجود، پژوهشی که به ترسیم منظومه یا ارائه چهارچوب نظری قدرت از منظر فقه اسلام، آن هم با بهره‌مندی از تقریر امام خمینی (ره)، یافت نشد. در این پژوهش، ابتدا چهارچوب نظری فقهی، بر اساس شرح و تفسیر امام خمینی (ره) از حدیث نبوی «العلم ثلاث» در کتاب اربعین حدیث، تبیین می‌شود تا بر اساس آن، به بازشناسی مفهوم و عرصه‌های مختلف قدرت مبادرت شود و در نهایت صورت‌بندی جدیدی از ماهیت، ابعاد و کارکردهای آن، در قالب «چهارچوب نظری قدرت فقهی در ساخت انسان و جامعه» ترسیم گردد.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱-۱. تعریف فقه

فقه در لغت، به معنای شکافتن و گشودن (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۶۵) و دانستن و فهمیدن است (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۱۲۵۰) فقیه کسی است که کلام را می‌شکافد (هروی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۱۲۶). کلمه «فقه» در سوره‌های متعدد قرآن کریم، به معنای تدبر، تعمق و فهم عمیق به کار رفته است (منافقون، آیات ۳-۷ و انعام، آیات ۶۵ و ۹۸) همچنین با بررسی مفهومی آن در روایات متعدد (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲ و ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ق، ص ۲۵) مشخص می‌شود که فقه در لسان قرآن کریم و روایات اسلامی، درک عمیق همه معارف دینی از اصول عقاید و فروع آن است، نه خصوص احکام عملی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۵۰). با توجه به چهارچوب نظری بیان شده، اعتقاد امام خمینی (ره) همواره، چه در دوران نهضت و چه در دوران

رهبری، این بوده است که «فقه اسلام»، یک برنامه کامل و جامع برای زندگی مردم است که توان اداره انسان و اجتماع را دارد و با تمام احتیاجات انسان هماهنگ و موافق است (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۲، ص. ۱۲۲) از این زاویه، ماهیت حقیقی حکومت را، فلسفه عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت معرفی کردند که در برخورد با تمامی مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی برنامه دارد. امام خمینی^(ع)، هدف از برپایی حکومت را تحقق عملی و عینی فقه در پاسخ به نیازها و معضلات فردی و اجتماعی می‌دانند که همه ترس استکبار نیز از همین موضوع است. از این رو، در یک دستورالعمل جامع و ماندگار، «فقه» را، با معنای جامع آن، «تثوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور» (خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۰) معرفی کردند که به‌عنوان دکترین اداره جامعه اسلامی محسوب می‌شود. با توجه به مفهوم و کاربرد گسترده و عمیق فقه، در تفاسیر عالمان بزرگ شیعه، مانند میرزای آشتیانی (سبزواری، ۱۳۸۳، ص. ۵۸)، محقق میرداماد (حسینی طهرانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۴۲)، آیت‌الله جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص. ۱۱) و آیت‌الله خامنه‌ای (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹)، سه ساحت اصلی برای فقه وجود دارد که عبارت‌اند از:

❖ فقه اکبر: (علوم فلسفه، حکمت و عرفان)؛

❖ فقه اوسط (علوم اخلاق و تزکیه نفس)؛

❖ فقه اصغر (علم فقه متعارف و احکام شرعی).

۱-۲. علوم حیاتی و ساحت‌های وجودی انسان

همان‌طور که مفهوم‌شناسی فقه نیز معلوم ساخت، در معارف اسلامی، تقسیم‌بندی معارف و احکام الهی متناظر با ساحت‌های وجودی و نگاه جامع به نیازمندی‌های انسان تعریف شده است. از این رو، امام خمینی^(ع) مبتنی بر روایتی از حضرت رسول^(ص) که فرمودند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ قَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَّاهُنَّ فَهَوَ فُضْلٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۲) ابتدا سه نشئه و مقام برای انسان نام می‌برد:

❖ نشئه آخرت، عالم غیب و مقام عقل؛

❖ نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌العالمین و مقام خیال؛

❖ نشئه دنیا، مقام ملک و عالم شهادت.

سپس همه علوم را که برای انسان حیاتی و اساسی است، به سه دسته تقسیم می‌کنند که عبارت‌اند از:

۱. آیه محکمه: «علمی که راجع به کمالات عقلیه و وظائف روحیه است»؛
۲. فریضه عادله: «علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظائف آن است»؛
۳. سنه قائمه: «علمی که راجع به اعمال قالبیه و وظائف نشئه ظاهره نفس است» (خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۸۷).

۱-۳. نسبت‌شناسی عرصه‌های فقه با علوم حیاتی و شئون وجودی انسان

با دقت در معانی ساحت‌های سه‌گانه فقه، مقام‌ها و ابعاد حقیقت انسان و علوم لازم برای سعادت او، نسبت زیر را می‌توان میان این سه برقرار ساخت که نتیجه مهمی در نیل به چهارچوب نظری فقهی در انسان‌سازی و جامعه‌سازی محسوب می‌شود:

❖ فقه اکبر: عرصه‌ای از فقه اسلام (علوم فلسفی، حکمی و عرفانی)، که موضوع آن کمالات عقلی و وظائف روحی انسان است (آیه محکمه) و رشد شأن و مقام عقلی و ادراکی انسان و جنبه عقلانی جامعه را بر عهده دارد. این دسته از علوم فقهی به لحاظ اهمیت آن و از این جهت که زیربنا و اساس سایر دانش‌های دینی است، فقه اکبر موسوم شده است. این معارف، تحقیقی است، آموختن و باور آن برای همگان واجب عینی است و نمی‌توان در آن‌ها از کسی تقلید نمود. آنچه تحت عناوین، بینش‌ها، هست‌ها، حکمت نظری، جهان‌بینی، عقاید و فقه‌المعارف از آن‌ها یاد می‌شود، به این حوزه مربوط است (حنیف نیا، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴۴).

❖ فقه اوسط: عرصه‌ای از فقه اسلام (علوم اخلاق و تزکیه نفس)، که موضوع آن اعمال قلبی انسان است (فریضه عادله) و رشد شأن و مقام خیال و برزخی انسان و جنبه‌های قلبی، اخلاقی و ذهنی (خیال) جامعه را بر عهده دارد. همه مسائل مربوط به اخلاق، فضایل و رذایل انسانی، رفتارهای ذهنی و باورهای درونی و کلیه حالات و کیفیات نفسانی در این دسته جای می‌گیرد. این مسائل در سامان‌بخشیدن به کنش‌ها و واکنش‌های خارجی، مؤثر و دارای نقش کلیدی است. این بخش از معارف از یک‌سو، چون داخلی، قلبی و نوعی گرایش و باور است، شبیه اعتقادات و فقه اکبر می‌باشد و از طرف دیگر، چون اغلب، عمل و فعل محسوب می‌شود، به دسته سوم (فقه اصغر) شباهت دارد (حنیف نیا، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴۴).

❖ فقه اصغر: عرصه‌ای از فقه اسلام (علم فقه متعارف و احکام شرعی)، که موضوع آن اعمال قالبی (بدن انسانی) و وظائف نفس در نشئه ظاهر است (سنه قائمه) و رشد شأن و مقام ملک و عالم شهادت انسان و جنبه‌های دنیوی، جسمانی و امور مادی جامعه را بر عهده دارد. این فقه مجموعه رفتار و اعمال عبادی و دینی است

که در حوزه احکام عملی اسلام مطرح است و در رساله‌های عملیه مراجع تقلید و فقها (از طهارات تا دیات) به آن پرداخته می‌شود. این دسته از احکام دینی که با عنوان فروع دین تعبیر می‌شود، همچون: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد و ... همگی موضوع فقه اصغر می‌باشند.

۱-۴. نظام تأثیر و تأثر شش وجهی عرصه‌ها، علوم و شئون انسانی

امام خمینی (ع) از نظام تأثیر و تأثر مراتب سه‌گانه انسانی سخن گفته‌اند که نحوه ارتباط آن‌ها به‌گونه‌ای است که تغییر و تحول، چه در جهت نقص، یعنی پیامدهای منفی و تنزل دهنده و چه در جهت کمال، یعنی آثار مثبت و فزاینده، در هر یک از این نشئه‌ها یا مقامات، بر جنبه‌ها و شئون دیگر انسان اثر مستقیم و سرنوشت‌سازی می‌گذارد که عدم توجه به این روابط می‌تواند تمام تلاش‌های یک انسان را ضایع نماید (خمینی، ۱۳۸۰، ص. ۳۸۶-۳۸۷). از این حیث، هر آنچه مربوط به این ابعاد وجودی انسان می‌شود، در این منظومه اثرگذاری و اثرپذیری قرار می‌گیرند، یعنی عرصه‌های سه‌گانه فقه و علوم مربوط به آن‌ها، که سازنده این شئون انسانی هستند، بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. از این بیان معلوم می‌شود که نه تنها به هر یک از احتیاجات انسان بر اساس علوم و دستورالعمل‌های متناسب فقهی آن باید مبادرت تام نمود، بلکه باید روابط و منظومه تأثیرات چندوجهی آن‌ها را بر یکدیگر دانست تا بتوان رشد و سعادت فرد و جامعه را انتظار داشت. بنابر آنچه تا این مرحله بیان شد، می‌توان از صورت‌بندی چهارچوب نظری فقهی در ساحت انسان‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی، رونمایی کرد. این چهارچوب نظری می‌تواند در پژوهش‌ها و تعیین استراتژی‌ها، راهکارها و دستورالعمل‌های مربوط به جامعه انسانی مورد استفاده قرارگیرد که در همین مقاله، ابعاد هویتی، کارکردی و اثرگذاری قدرت، از این منظر تبیین خواهد شد.

۱-۵. تعریف قدرت

قدرت در لغت، عبارت است از اینکه «یک چیز آگاهانه منشأ عملی شود» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۱۱) در ادبیات رایج علوم سیاسی، «قدرت^۱ توانایی دارنده آن است برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود، به هر شکلی» که «اگر

مشروعیت آن بر اساس قانون یا سنت پذیرفته شود» «اقتدار»^۱ نامیده می‌شود (آشوری، ۱۳۷۳، ص. ۲۴۷)؛ (آرون، ۱۳۷۰، ص. ۵۹۸). بنابراین، قدرت را می‌توان به این صورت تعریف کرد: نوعی دارایی روح یا نفس انسان که به سبب آن، به صورت ارادی، توانایی اثرگذاری بر خود یا غیر را داشته باشد.

آنچه مولد و منبع قدرت به شمار می‌آید، در دو دسته منابع مادی و غیرمادی قابل تقسیم است:

❖ منابع مادی: جغرافیا، وسعت سرزمین، منابع ملی، توان اقتصادی، توان نظامی، جمعیت؛

❖ منابع غیرمادی/ معنوی: دانش، سازمان، موقعیت‌ها (اقتصادی، اجتماعی و دینی)، اقتدار (دست یافتن به قدرت فقهی - سیاسی مشروع)، مهارت، ایمان (به معنای جلب اعتماد دیگران)، رسانه‌های جمعی (عالم، ۱۳۷۳، ص. ۹۳-۹۴).

۱-۶. تعریف قدرت فقهی

بر اساس تعاریف قدرت و ترسیمی که از چهارچوب نظری فقهی صورت گرفت، قدرتی که از نتیجه علم و عمل، در هر یک از عرصه‌های سه‌گانه، برای انسان و جامعه، در آن شأن و بُعد او حاصل می‌شود، در معنای کلی «قدرت فقهی» نام می‌گیرد. به عبارت دیگر، وقتی فرد یا جامعه‌ای، در اثر حرکت در مسیر تحصیل علوم و عمل به احکام و دستورات در عرصه‌های فقه اکبر (آیه محکمه/فلسفه و حکمت و عرفان اسلامی)، فقه اوسط (فریضه عادلّه/اخلاق و تهذیب نفس) و فقه اصغر (سنه قائمه/احکام شرعی فردی و اجتماعی) قرار می‌گیرد، که در یک کلام عبودیت حق متعال است، مطابق قواعد، سنت‌ها و وعده‌های الهی، برای او کمالات و توانمندی‌هایی در همان مرتبه و مقام حاصل می‌شود که از آن می‌توان به قدرت فقهی تعبیر نمود که صورت‌بندی آن به شکل زیر قابل ترسیم است:

جدول شماره ۱: معناشناسی قدرت الهی

عرصه شناسی	معنا شناسی
قدرت در عرصه فقه اکبر	قدرتی که از علم و عمل به «آیه محکمه» در انسان حاصل می‌شود.
قدرت در عرصه فقه اوسط	قدرتی که از علم و عمل به «فریضه عادلّه» در انسان حاصل می‌شود.
قدرت در عرصه فقه اصغر	قدرتی که از علم و عمل به «سنه قائمه» در انسان حاصل می‌شود.

۲-۱. چهارچوب نظری

برای بسط گفتمانی و تحقق کارآمدی فقه اسلام در اداره جامعه، پس از تبیین اصل چهارچوب نظری فقهی، به‌عنوان یک مبنای نظری مهم در پژوهش‌های متکی به معرفت دینی، باید آن را در ساحت‌های مختلف جامعه، اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی امتداد داد. بر همین اساس، در این پژوهش، «مسئله و معمای قدرت»، به‌عنوان یکی از ارکان ضروری حیات، بقا و پیشرفت جوامع انسانی، با استفاده از همین چهارچوب نظری فقهی، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا قدمی در راستای تحقق هدف مزبور برداشته شود. نتیجه این مرحله از پژوهش، ترسیم «چهارچوب نظری قدرت فقهی» است که در حقیقت، به مدل و الگوی جامعی از ابعاد قدرت گفته می‌شود که از طریق چهارچوب نظری فقهی، درک و تبیین آن صورت پذیرفته است.

جدول شماره ۲: چهارچوب نظری فقهی در انسان‌سازی و جامعه‌سازی

نسبت‌شناسی میان عرصه‌های فقه، شئون انسان، علوم مورد نیاز و نظام تأثیرات متقابل				
مقامات و نیازهای سه گانه انسان	عرصه شناسی	معنا شناسی عرصه‌ها	موضوع شناسی عرصه‌ها	منظومه شش وجهی تأثیر و تأثر عرصه‌ها
نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل	فقه اکبر	«آیه محکمه» (علوم فلسفی، حکمی و عرفانی)	بینش‌ها، هست‌ها، حکمت نظری، جهان بینی، عقاید و فقه‌المعارف	اثرگذاری عرصه فقه اکبر بر فقه اوسط
				اثرگذاری عرصه فقه اکبر بر فقه اصغر
نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌العالمین و مقام خیال	فقه اوسط	«قریضه عادل» (علم اخلاق و تصفیه قلوب)	اخلاق، فضائل و رذائل انسانی، ذهنیات و کلیه حالات و کیفیات نفسانی و اعمال قلبی و اخلاقی انسان	اثرگذاری عرصه فقه اوسط بر فقه اکبر
				اثرگذاری عرصه فقه اوسط بر فقه اصغر
نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت	فقه اصغر	«سنت قائمه» (علم فقه، تدبیر منزل و سیاست مدن)	رفتار و اعمال عبادی و دینی در حوزه احکام عملی اسلام	اثرگذاری عرصه فقه اصغر بر فقه اکبر
				اثرگذاری عرصه فقه اصغر بر فقه اوسط

۲. صورت‌بندی قدرت فقهی

برای صورت‌بندی دقیق قدرت فقهی، لازم است ابتدا، قدرت در هر یک از عرصه‌های سه‌گانه فقه و نیازهای اساسی انسان، به درستی تبیین شود و سپس منظومه تأثیر و تأثرات آن‌ها بر یکدیگر مشخص شود. از مجموع این‌ها، شناختی نظام‌مند و نوین از قدرت به دست می‌آید که می‌تواند به‌عنوان چهارچوب نظری قدرت در مطالعات و پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۱. قدرت فلسفی، عرفانی و اعتقادی (فقه اکبر)

مطابق با تفسیر امام خمینی (ره) از حدیث «العلم ثلاث»، قدرت در عمیق‌ترین و مهم‌ترین ساحت وجود انسان، متأثر از میزان رشد انسان و جامعه در جنبه‌های عقلانی، معرفتی و علمی است که منظور علمی است که «مبدأ وجود و حقیقت و مراتب آن و بسط و قبض و ظهور و رجوع آن» در شخص، توسط «انبیا و اولیا» و پس از آن‌ها، «فلاسفه، اعظم از حکما و اصحاب معرفت و عرفان» حاصل می‌شود. (خمینی، چهل حدیث، ۱۳۸۰، ص. ۳۸۷) بنابراین در این لایه، از «قدرت اعتقادی، فلسفی و عرفانی» و به تعبیر دیگر قدرت حاصل از علم و عمل به «آیه محکمه» در انسان، می‌توان نام برد. همان‌طور که از عبارات امام (ره) و همچنین از واژه «محکمه» می‌توان فهمید، رسالت اصلی این سطح از قدرت فقهی، تعیین حکمت قدرت، تبیین قدرت حکیمانه و قدرت حکیم پرور است که به‌واسطه رشد جنبه‌های عقلانی، غایت آن، رشد انسان و جامعه حکیم می‌باشد (جدول شماره ۳). توضیح بیشتر آنکه، در این عرصه، روشن می‌شود که اولاً اساساً چه رابطه‌ای میان کسب حکمت و معرفت با قدرت است، ثانیاً، در این ساحت از فقه و علم، چه نوع قدرتی تبیین می‌شود؟ ثالثاً برای چه هدف و غایت مهمی باید به این نوع قدرت دست یافت؟ رابعاً، کدام یک از انواع قدرت در اینجا مصداق دارند و قدرت حکیمانه و حکیم‌پرور محسوب می‌شوند؟ و در نهایت، چه مصادیقی از قدرت در انسان تحقق می‌یابد. در ادامه، به اختصار به این موارد اشاره‌ای می‌شود.

۲-۱-۱. رابطه کسب معرفت (آیه محکمه) و قدرت

علم و معرفت حقیقی، که مقرون کمال و تقرب است، در ذات خود، قدرت‌آفرین است، چنانکه حضرت علی (ع) آن را به صورت یک قاعده کلی، «العلم سلطان»، بیان فرمودند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص. ۳۱۹). همچنین طلب تعلیم و دستیابی به

غایت و نهایت علم، از جمله فرایض مورد تأکید همه اهل بیت (ع) بوده است، چنانکه پیامبر اکرم (ص) آن را بر هر مرد و زن مسلمان واجب دانستند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۷، ص ۶۸) و تأکید نمودند که برای طلب علم، اگر لازم باشد باید به دورترین نقاط نیز مسافرت نمود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۷۷).

در معارف اسلامی، نه تنها از معرفت‌های گوناگون در لایه‌های مختلف، سخن به میان آمده است، بلکه هدف از آن‌ها به‌عنوان هدف اصلی خلقت یاد شده است که متناظر با هر یک، قدرت‌هایی، در وجود انسان، بالفعل و پدیدار می‌شود، به‌طوری‌که انبیای الهی، ائمه اطهار (ع) و پرورش یافتگان آنان، در هر دو زمینه، نه تنها از مردم عصر خود جلوتر بوده‌اند، بلکه چنانچه اراده می‌کردند، علوم و اعمالی از خود به منصف ظهور می‌رساندند که در نظر عموم قابل درک نبود. در این پژوهش مجال ورود جزئی به انواع معرفت و قدرت‌های ناشی از هر کدام نیست و بنای اصلی آن بر ارائه چهارچوب نظری و مدل مفهومی است، لذا در ادامه برای ترسیم نمایی کلی از این بحث، به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌شود.

۲-۱-۲. برخی انواع معرفت لازم برای انسان و قدرت‌های ناشی از آن‌ها

در آیات و روایات پرشماری، توسط خداوند متعال و ائمه اطهار (ع)، انواع معرفت‌هایی که انسان در حوزه‌های بینش‌ها، حکمت نظری، جهان بینی، عقاید و فقه‌المعارف باید بدان دست یابد، بیان شده است که هر کدام، شأن و اهمیت و آثار قدرت‌آفرین ویژه خود را دارند که در اینجا به ذکر چند مصداق مبادرت می‌شود:

➤ امام صادق (ع) به زاره دعایی را برای زمان غیبت تعلیم فرمودند که

ضرورت شناخت خداوند تبارک و تعالی، پیامبر و حجت الهی (امام

زمان) را بیان کرده‌اند و متغیر «ضلالت و هدایت» را، به‌عنوان اثر

مستقیم آن‌ها، ذکر نموده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص. ۴۱۱).

➤ امام حسین (ع) در تفسیر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

(قرآن کریم، ۱۳۹۸، ۵۱: ۵۶)، که با توجه به ادات استثنا و صراحت آیه،

یکی از روشن‌ترین و قاطع‌ترین آیات در مسئله هدف از خلقت انسان

است، حقیقت عبادت را همان معرفت می‌دانند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق،

ج ۵، ص. ۷۵) که در دو سطح با رابطه طولی تقسیم می‌شود: شناخت خدا

و امام زمان، در هر عصری. قدرت ناشی از آن را هم ایجاد «بی‌نیازی از

خلق» می‌دانند (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص. ۹).

۲-۱-۳. مهم‌ترین رشد عقلانی و معرفتی و قدرتهای ناشی از آن

غایت معرفت، شناخت خداوند متعال است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸۸، ص ۱۹۹-۳۴۴) اما با توجه به تعدد راه‌های رسیدن به آن، هم در قرآن کریم و به‌ویژه در بیان اهل بیت (ع)، مسیر «معرفت نفس انسانی» راه بهترین راه و بهترین نوع علمی که انسان باید و می‌تواند بدان دست یابد، بیان کرده‌اند. این جایگاه و اهمیت، در آیاتی نظیر «...عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (قرآن، ۱۳۹۸، ۵: ۱۰۵) و «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا...فِي أَنْفُسِهِمْ» (قرآن، ۱۳۹۸، ۴۱: ۵۳) بیان شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۶، ص ۱۶۵-۱۷۰)؛ (جوادی آملی، توحید در قرآن، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۵ و ۱۸۱). علاوه بر این، در روایات، آن را با تعبیر برجسته‌ای توصیف نموده‌اند، نظیر: «غَايَةُ الْمَعْرِفَةِ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۶۳۶۵)، «أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹۸۶۵)، «أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳۱۰۵)، «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲۹۳۵)، «أَفْضَلُ الْعَقْلِ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳۲۲۰)، «الْفَوْزُ الْأَكْبَرُ مَنْ ظَفِرَ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹۹۶۵) و «كُفِيَ بِالْمَرْءِ مَعْرِفَةً أَنْ يَعْرِفَ نَفْسَهُ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷۰۳۶). علاوه بر این، در تعالیم انبیای پیشین نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است (حر عاملی، ۱۳۰۲ ق، صفحه ۱۱۶). رساله‌های متعدد و شروح بسیاری از عالمان اسلامی، از نفس شفا (ابن سینا) و اسفار اربعه (ملاصدرا) تا دروس معرفت نفس (علامه حسن‌زاده) در این زمینه به زیور طبع آراسته شده است. بنابر روایات و ادله مختلف (شریفی، ۱۳۹۷ و فنایی اشکوری، ۱۳۹۵)، از جمله سخن حضرت علی (ع) که فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ مَعْرِفَةٍ وَ عِلْمٍ» (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص. ۵۸۸) اثر مستقیم معرفت نفس، شناخت پروردگار عالم است و به تبع آن، دستیابی به مجموعه علوم و حقایق و قدرتهای نظام هستی و بهره‌مندی از آن‌ها. دلیل این امر را باید در جهان بینی و انسان‌شناسی اسلامی جست‌وجو کرد که انسان مظهریت اسم اعظم الهی و جامع همه اسمای الهی به صورت بالقوه است و عصاره و خلاصه عالم هستی است (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۱۰۳) و عالم صغیر محسوب می‌شود و نسبت عالم کبیر به وجود انسان به‌گونه‌ای است که اگر او را منشرح نمایند و بسط دهند، کاملاً با عالم کبیر منطبق است و هرچه در آن عالم است، در انسان نیز موجود است (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، صص ۱۱-۱۲). از این رو، هرچه این معرفت در انسان بیشتر، ظرفیت‌ها و قدرت‌های بیشتری از روح و جسم انسانی، در شئون مختلف، اعم از مقام کشف حقایق تا توانایی‌های خارق‌العاده، برای او بالفعل می‌شود (مازندرانی، ۱۳۴۲، ج ۲، ص. ۱۶۷). بر همین اساس، بابی در کتاب اصول کافی وجود دارد به نام «بَابُ أَنَّ الْأَنْمَةَ عِذَا شَاءُوا أَنْ يَعْلَمُوا عِلْمُوا» یعنی امام معصوم، هر زمان که اراده

کند چیزی را بداند، آن علم نزد او حاضر است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۵۸). ملاصدرا، در تبیین این قدرت، این مقام را با قدرتی معرفی می‌کند که خداوند فقط به انبیا و اوصیا عطا می‌فرماید (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۱۶۰).

۲-۲. قدرت معنوی و اخلاقی (فقه اوسط)

موضوع این نوع قدرت، که از علم و عمل به «فریضه عادل» ناشی می‌شود، اخلاق، فضایل و رذایل انسانی، ذهنیات و کلیه حالات و کیفیات نفسانی و اعمال قلبی و اخلاقی انسان است که عهده‌دار تعلیم آن، پس از انبیا و ائمه اطهار (ع)، علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارفاند (خمینی، ۱۳۸۰، ص. ۳۸۷). در این سطح، تعیین «شأنیت قدرت» و به عبارت دیگر، تبیین قدرت اخلاق محور صورت می‌گیرد که غایت آن رشد جنبه‌های معنوی، فضایل اخلاقی و طهارت برزخی و روحی انسان و جامعه است. ذکر انواع، مصادیق و قدرتهای ناشی از این سطح، پژوهشی مجزا می‌طلبد، با این وجود، برای روشن شدن ابعاد آن، به تبیین محوری‌ترین مصداق آن یعنی «ادب مع الله» و نتیجه آن، «تقوا»، مبادرت می‌شود.

۲-۱. ادب مع الله و محصولی به نام «تقوا»

در معارف اسلامی، به انحای مختلف به اهمیت و منزلت ادراک حضور در پیشگاه حق متعال پرداخته شده است و برای این منظور، واژه «ادب» در روایات استفاده شده است و عالمان اسلامی نیز، برای تبیین ابعاد مختلف آن، عبارت «ادب مع الله» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱، ص. ۷۹-۹۷) یا «ادب الهی» را به کار برده‌اند (تهرانی، ۱۳۹۹). روایات زیادی برای بیان ارزش فوق‌العاده آن وجود دارد، از جمله، امام علی (ع)، همه چیز را به عقل محتاج می‌داند، اما عقل را محتاج ادب می‌داند که بدون این وصف، از مسیر اصلی خود خارج می‌شود و کارکرد خود را از دست می‌دهد (آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص. ۸۱۰). همچنین برای بیان عظمت امر تأدیب، به معرفی متولیان این امر در احادیث پرداخته شده است، به حدی که خداوند متعال، در عالی‌ترین جایگاه، متولی تأدیب حضرت رسول است، پیامبر اکرم خود متولی تأدیب حضرت علی (ع) است و امیرالمؤمنین، کار تأدیب مؤمنین را بر عهده دارد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ق، ص. ۱۷۱). بر همین اساس، علامه طباطبایی (ره) آنگاه که حیات نورانی حضرت ابراهیم (ع) را توصیف می‌کند، مطالعه سیر زندگانی آن حضرت را به‌مثابه یک دور «ادب‌شناسی در محضر حق متعال» می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۴۹).

آنچه در نتیجه این «تأدیب اسلامی» حاصل می‌شود، «تقوا» است که بیش از ۲۰۰ بار در قرآن از آن، به انحاء مختلف، سخن به میان آمده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص. ۷۵۸-۷۶۱). اساساً ارزش هر انسانی، فقط به میزان تقوای اوست (قرآن، ۱۳۹۸، ۴۹: ۱۳) و درباره جایگاه آن در آیات و روایات بسیار سخن گفته شده است، برای نمونه، عمده خطبه‌های حضرت علی^(ع) دربردارنده امر به تقواست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰) و خطبه مستقل و مفصلی را در بیان صفات متقین بیان فرموده‌اند (صالح، ۱۳۷۴، ص. ۳۰۳). سیری در تعاریف و آثار تقوا (صفوی، ۱۳۷۴) نشان می‌دهد که شرط و مقدمه همه آن‌ها، همین رعایت ادب الهی است. تقوا نوعی ملکه نفسانی است، که ناشی از درک انسان نسبت به فقر ذاتی خود است که مالک هیچ چیزی نیست و غنی بالذات، فقط خالق نظام هستی یعنی خداوند است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۵) و همه امور به اراده و قدرت اوست (قرآن، ۱۳۹۸، ۴۲: ۱۲) و از این رهگذر، خود را دائم در محضر حق متعال می‌بیند و بر اساس محبت و خشیت و تقرب به خدا و دستیابی به تمام کمالات و رشدهای انسانی، به تقوای الهی روی می‌آورد (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص. ۲۲۳) و فقط تابع اوامر و نواهی حق سبحانه می‌شود (طبرسی، بی‌تا، ج ۷، ص. ۸۱).

۲-۲-۲. رابطه قدرت با ادب مع الله و تقوا

اگرچه در قرآن کریم و معارف اهل بیت^(ع) و تفاسیر علمای اسلامی، تمرکز اصلی بیان آثار بی‌نظیر و پرشمار قدرت‌آفرین بر تقواست تا ادب مع‌الله، اما در اینجا به فراخور موضوع مقاله، به شماری چند از آن‌ها اشاره می‌شود. امام خمینی^(ره)، در جایگاه رهبر و راهبر جامعه اسلامی و در گفت‌وگوی با عموم مردم، بارها از ضرورت «درک دائمی حضور در پیشگاه خداوند» سخن گفته‌اند و آن را از انحصار در یک قاعده اخلاقی در تربیت فرد خارج کرده‌اند و در قامت اصل بنیادین در جامعه سازی تجویز نموده‌اند. روایت ایشان از آثار پیاده شدن ادب مع الله در متن جامعه و کارگزاران نظام اسلامی، حکایت از قدرت بسیار بالای این عامل، هم در مصونیت بخشی کشور از آسیب‌ها و هم در به دست آوردن مراتبی از پیشرفت‌های مختلف، دارد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، صص ۴۰۲-۴۰۳ و ج ۱۶، ص ۴۱۸). لذا در یک فراز بسیار مهم بیان داشتند: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۴۶۱) از این رو، مشاغل و گروه‌های مختلف را دعوت به رعایت این حقیقت و بهره‌مندی از قدرت ناشی از آن می‌کنند و غفلت از آن را منشأ ضعف‌ها و اشتباهات

می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۵ ج ۸، ص ۱۱۰ و ج ۱۳، ص ۴۶۰). تقوا، یک ظرفیت عظیمی از استعدادها بالقوه را در انسان فعال می‌کند و دامنه وسیعی از قدرت‌ها و آزادی‌ها را در وجود او پدیدار می‌کند، به‌طوری‌که بسیاری از آن‌ها از طرق تجربه و آزمون نه تنها به دست نمی‌آید بلکه سخن گفتن از آن‌ها و درک حقایق آن‌ها، برای عقول محدود به روش‌های مادی عجیب و چه بسا باورناپذیر است. از این رو، در برخی روایات، تعبیری که گویای این موضوع است، به کار گرفته شده است، مانند آنچه حضرت رسول (ص) فرمودند: «عُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۴، ص ۴۱). تقوا هم به صورت فردی تعریف می‌شود (قرآن، ۱۳۹۸، ۶: ۶۶) و هم در ابعاد جامعه و عرصه‌های مختلف آن قابل تعمیم است، که از آن به «تقوای اجتماعی» تعبیر می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴) از این رو، هم نیرویی برای «تولید کمی و افزایش کیفی قدرت و تنظیم روابط قدرت» در وجود شخص محسوب می‌شود و هم برای جامعه متقی، آثار ویژه‌ای در این زمینه دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸).

۲-۳. قدرت فقهی - سیاسی (فقه اصغر)

این نوع قدرت، از علم و عمل به «سنه قائمه» در انسان حاصل می‌شود که موضوع آن عبارت است از: «تربیت ظاهر، علم فقه و مبادی آن، علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مدن» که عهده‌دار آن‌ها، پس از انبیا و اوصیای الهی، فقها و محدثین هستند (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۷). رسالت اصلی این لایه از قدرت فقهی، تعیین مرزهای حرمت و حلیت قدرت است و به عبارت دیگر تبیین ابعاد و حدود قدرت در اسلام سیاسی یا حاکمیت اسلام است. طبق این سطح از قدرت فقهی، هرچقدر فرد و جامعه، زندگی خود را بر مدار احکام واجب، حرام، مستحب و مکروه قرار دهد، قابلیت‌هایی در او بالفعل می‌شود و ظرفیت‌های تازه‌ای برای او پدیدار می‌شود. سیاست در این عبارت، ساحت اداره عرصه‌های مختلف فرد و جامعه است (بشیریه، ۱۳۸۶، ص ۱۹-۳۰) که باید تمامی ابعاد انسان را نیز در نظر بگیرد، زیرا رسالت آن هدایت و تأمین تمام مصالح جامعه بر اساس منافع حقیقی و الهی آن است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۴۳۲). از این رو، اهمیت بهره‌مندی از فقه، به‌ویژه در این لایه سوم، بسیار عینی‌تر و گسترده‌تر جلوه می‌کند که هم هویت فردی و هم هویت اجتماعی را دربرمی‌گیرد (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰). از جمله قدرت‌ها در این سطح، عبارت است از «تجلی قدرت‌های الهی در شخص و جامعه»، به‌طوری‌که در حدیثی قدسی، قاعده مهمی از ناحیه خداوند متعال برای انسان بیان شده است که می‌توان

آن را به اجتماع انسانی نیز تعمیم داد که بر اساس آن، اگر به نحو مطلوب احکام شرعی را انجام دهد، در اثر تقرب به حق متعال، خداوند به همه قوای وجودی او قدرتی فوق‌العاده عطا می‌کند و هرچه دعا کند نیز، مستجاب می‌شود (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۹، ص ۳۲۱). مانند آنچه در جنگ بدر رخ داد (قرآن، ۱۳۹۸، ۸: ۹) و آنچه عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی در مرحله تأسیس، در مبارزات متعدد اعم از دفاع مقدس و دیگر تهدیدها شد (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۴۰۲) در نتیجه عمل جمعی به چنین قاعده‌ای باشد. «کسب قدرت ایجاد ترس و تضعیف روانی در دشمن» مصداق دیگری از این مرحله است. اهل ایمان، آنگاه که بر اساس دستور الهی مبنی بر ایجاد انواع قدرت‌های درون‌زا، اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی، برای حراست از کیان جامعه اسلامی اقدام می‌کنند، مطابق با آیات هفتم تا دوازدهم و همچنین شصتم سوره انفال، خداوند زمینه ایجاد رعب و وحشت در قلب دشمن از عزت و اقتدار مؤمنین را فراهم می‌کند و امکانات و عظمت مؤمنین، چندین برابر در نظر دشمنان جلوه می‌کند و موجب بازدارندگی، عقب‌نشینی و حتی شکست آنان می‌شود (بهرامیان، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص ۴۶۰۴ و طباطبایی، ۱۳۴، ج ۱۸، صص ۳۹۲-۳۹۳).

جدول شماره ۳: صورت‌بندی قدرت فقهی

صورت‌بندی قدرت فقهی				
عرصه شناسی	معنا شناسی	ماموریت و رسالت	غایت شناسی	
			عرصه فردی	عرصه اجتماعی
نسبت‌شناسی میان عرصه‌های فقه و قدرت	قدرت در عرصه فقه اکبر	قدرتی که از علم و عمل به «آیه محکمه» در انسان حاصل می‌شود.	تعیین حکمت (غایت) قدرت قدرت حکیمانه قدرت حکیم پرور	رشد انسان حکیم (رشد شأن و مقام عقلی و ادراکی انسان) (رشد جنبه عقلانی جامعه)
	قدرت در عرصه فقه اوسط	قدرتی که از علم و عمل به «فریضه عادل» در انسان حاصل می‌شود.	تعیین شأنت قدرت قدرت اخلاقی قدرت تادیبی	رشد شأن و مقام خیال و بزرخی انسان قلبی، اخلاقی و ذهنی (خیال) جامعه
	قدرت در عرصه فقه اصغر	قدرتی که از علم و عمل به «سنه قائمه» در انسان حاصل می‌شود.	تعیین مرزهای حرمت و حلیت قدرت قدرت اسلام سیاسی قدرت حاکمیت اسلام	رشد جنبه‌های دنیوی، جسمانی و امور مادی جامعه رشد شأن و مقام ملک و عالم شهادت انسان

۴-۲. نظام تأثیر و تأثر در منظومه قدرت فقهی

آخرین قطعه از پازل مفهومی قدرت فقهی، درک صحیح از آثار متقابل و ارتباطات شش وجهی عرصه‌ها بر یکدیگر است. از ضرورت توجه به این مهم نیز، که ریشه در مبانی دینی دارد، امام خمینی (ره) پرده برداری نموده است. ایشان از ارتباط و نظام درهم‌تنیده این سه مرتبه سخن می‌گویند که عدم توجه به این روابط می‌تواند تمام تلاش‌های یک انسان یا جامعه را ضایع نماید. این منظومه تأثیر و تأثر، هم در جهت کمال است، یعنی آثار مثبت و فزاینده و هم در جهت نقص است، یعنی پیامدهای منفی و تنزل دهنده (خمینی، ۱۳۸۰، ص. ۳۸۶).

۴-۲-۱. سیمای کلی روابط چندوجهی در منظومه قدرت فقهی

در اینجا باید به دو سؤال اصلی پاسخ داد؛ یکی چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر در «تولید و رشد» قدرت است و دیگری چگونگی اثرگذاری بر «تحدید، ایجاد نقص و تنزل» قدرت می‌باشد. بر این اساس، در یک نمای کلی می‌توان این منظومه روابط را به شکل زیر ترسیم نمود:

جدول شماره ۴: روابط و آثار متقابل عرصه‌های قدرت فقهی

ردیف	محورهای اصلی	محورهای فرعی
۱	سنجش آثار قوت و ضعف در قدرت اعتقادی و علمی (فقه اکبر) بر قدرت معنوی و اخلاقی (فقه اوسط)	نحوه تأثیر کسب قدرت اعتقادی در تولید و تقویت قدرت اخلاقی و معنوی
		نحوه تأثیر ضعف و انحراف در اعتقادات در تحدید قدرت معنوی و اخلاقی
۲	سنجش آثار قوت و ضعف در قدرت اعتقادی و علمی (فقه اکبر) بر قدرت فقهی - سیاسی (فقه اصغر)	نحوه تأثیر کسب قدرت اعتقادی و علمی در تولید و تقویت قدرت فقهی - سیاسی
		نحوه تأثیر ضعف و انحراف در قدرت اعتقادی در تحدید قدرت فقهی - سیاسی
۳	سنجش آثار قوت و ضعف در قدرت اخلاقی و معنوی (فقه اوسط) بر قدرت فقهی - سیاسی (فقه اصغر)	نحوه تأثیر کسب قدرت اخلاقی و معنوی در تولید و تقویت قدرت فقهی - سیاسی
		نحوه تأثیر ضعف و انحراف در قدرت معنوی در تحدید قدرت فقهی - سیاسی
۴	سنجش آثار قوت و ضعف در قدرت اخلاقی و معنوی (فقه اوسط) بر قدرت اعتقادی و علمی (فقه اکبر)	نحوه تأثیر کسب قدرت اخلاقی و معنوی در تولید و تقویت قدرت اعتقادی
		نحوه تأثیر ضعف و انحراف در قدرت معنوی در تحدید قدرت اعتقادی
۵	سنجش آثار قوت و ضعف در قدرت فقهی - سیاسی (فقه اصغر) بر قدرت اعتقادی و علمی (فقه اکبر)	نحوه تأثیر کسب قدرت فقهی - سیاسی در تولید و تقویت قدرت اعتقادی
		نحوه تأثیر ضعف و انحراف در قدرت فقهی - سیاسی در تحدید قدرت اعتقادی
۶	سنجش آثار قوت و ضعف در قدرت فقهی - سیاسی (فقه اصغر) بر قدرت اخلاقی و معنوی (فقه اوسط)	نحوه تأثیر کسب قدرت فقهی - سیاسی در تولید و تقویت قدرت اخلاقی و معنوی
		نحوه تأثیر ضعف و انحراف در قدرت فقهی - سیاسی در تحدید قدرت معنوی

۲-۴-۲. تبیین نظام تأثیرات عرصه‌های قدرت فقهی

شش رابطه اصلی میان عرصه‌های قدرت فقهی، با در نظر گرفتن جوانب قوت و ضعف، دوازده ارتباط متقابل را می‌سازد که فهم و به‌کارگیری درست آن‌ها برای انسان‌سازی و جامعه‌سازی خیلی اهمیت دارد. در اینجا، چکیده‌وار، به هر کدام از این موارد اشاره می‌شود، با این توضیح که تفکیک روابط متقابل این عرصه‌ها از یکدیگر در بسیاری از موارد به سادگی میسر نیست، زیرا هم الفاظ و عبارات در یک معنا و مرتبه صرفاً قرار نمی‌گیرند و هم به خاطر درهم‌تنیدگی روابط، اثر یکی بر دیگری، عمدتاً اثر سوم و بیشتری را هم خلق می‌کند و می‌توان هم‌زمان تأثیرات دو رابطه را به روابط دیگر نیز تعمیم داد. مثلاً در روایتی به ارتباط مستقیم کسب اخلاص بر کسب علم و حکمت از ناحیه خداوند متعال پرداخته شده است (ابن فهد حلی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، صفحه ۲۳۲). این علم هم می‌تواند جنبه مبانی فکری و آثار عقلی و عرفانی داشته باشد و هم می‌تواند به‌عنوان قدرت تدبیر در اداره امور فردی و اجتماعی تجلی کند.

✓ تأثیر کسب قدرت اعتقادی و علمی در تولید و تقویت قدرت معنوی و قدرت فقهی - سیاسی

این ارتباط در روایات زیادی، از جمله حدیثی از پیامبر اکرم (ص) بیان شده است که ابتدا فراگیری علم را تجویز می‌کنند و سپس تأثیرات آن را در کسب و توسعه قدرت‌های معنوی و قدرت‌های ظاهری بر می‌شمارند. به‌عنوان نمونه، در یکی از فرازهای آن، از جمله این آثار را، حیات قلوب (قدرت معنوی)، بصیرت و قوت جسمانی (قدرت فقهی-سیاسی) معرفی می‌فرمایند (مهریزی و درایتی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۲۴۵).

✓ تأثیر ضعف و انحراف در اعتقادات در تحدید قدرت معنوی و اخلاقی

به‌عنوان نمونه، در روایتی از امام صادق (ع) آمده است، کسی که شناخت تفقه در دین خدا نداشته باشد و به ابعاد و لایه‌های مختلف آن معرفت پیدا نکند، اعمال او از آلودگی‌های باطنی پاک نمی‌شود و خدا را در روز قیامت ملاقات نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۱).

✓ تأثیر کسب قدرت اعتقادی و علمی در تولید و تقویت قدرت فقهی - سیاسی

از منظر امام کاظم (ع)، کسی که معرفت حقیقی به دین پیدا می‌کند، قدرت بصیرت در او پدید می‌آید و علم و عملش در اعمال عبادی به اوج خود می‌رسد، یعنی در عرصه فقهی - سیاسی قدرتمند می‌شود و بدین سبب، به مراتب و منزلت بالایی در دین و دنیا نائل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰، ص ۲۴۷).

✓ تأثیر ضعف و انحراف در قدرت اعتقادی در تحدید قدرت فقهی - سیاسی

اگر انسان از بنیان‌های فکری اندیشه اسلامی، قدرت فهم معارف دینی، قوانین الهی و کیفیت تنظیم روابط قدرت در جامعه بهره‌ای نداشته باشد، لاجرم غیر حق را تکیه‌گاه فکری و عملی خود قرار می‌دهد و در این صورت، ضلالت و معضلات متعددی دامن‌گیر او خواهد شد. این نسبت و رابطه‌ای است که امام صادق (ع) برای ما مکشوف نموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۳).

✓ تأثیر کسب قدرت اخلاقی و معنوی در تولید و تقویت قدرت فقهی - سیاسی

یکی از ساحت‌های فردی و اجتماعی این رابطه، در آیات دوم و سوم سوره طلاق پیرامون نسبت‌شناسی کسب تقوا در کسب قدرت‌های دیگر بیان شده است که علامه طباطبایی (ره) ذیل آن، تأکید می‌کند که خداوند متعالی برای انسان متقی، نجات از تنگنای مشکلات زندگی، برآورده شدن حاجت، سعادت دنیا و آخرت و افزایش روزی از جایی که تصورش هم نمی‌شود را فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۲۶). یکی دیگر آثار اجتماعی در این محور، معیارهایی است که ائمه اطهار (ع) در تعیین «ولی فقیه» در زمان غیبت معرفی نموده‌اند. در روایتی از امام عسکری (ع)، شاخص‌های فقهی که قدرت و شایستگی ولایت و حکومت دارد عبارت‌اند از: «صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَىٰ هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۸۸) که به صراحت گویای این تأثیر قدرت اخلاقی و معنوی در کسب قدرت فقهی و سیاسی است.

همچنین آیاتی که در زمینه وعده نصرت و یاری الهی در مقابله با سختی‌ها و شدايد (قرآن، ۱۳۹۸، ۳: ۱۲۵) و غلبه بر دشمن، با وجود عده و عده کمتر، در ازای عمل به صبر و تقوا است، بیانگر همین نسبت است (قرآن، ۱۳۹۸، ۲: ۲۴۹).

✓ تأثیر ضعف و انحراف در قدرت معنوی در تحدید قدرت فقهی - سیاسی

دو نمونه از آیات قرآن کریم در تبیین این رابطه، یکی تشبیه ساختار و نظام سیاسی غیر الهی به خانه عنکبوت است (قرآن، ۱۳۹۸، ۲۹: ۴۱) و دیگری، ناگواری‌ها و سختی‌های غیرمنتظره در زندگی در اثر دوری از ذکر خداوند و عمل به دستورات اوست (قرآن، ۱۳۹۸، ۲۴: ۲۰).

✓ تأثیر کسب قدرت اخلاقی و معنوی در تولید و تقویت قدرت اعتقادی و قدرت

فقهی - سیاسی

پیامبر (ص) یکی از ساز و کارهای قدرت‌آفرین در نظام هستی را در اعطای حکمت و حقایق عمیق عالم هستی به انسانی معرفی نمودند که چهل روز زندگی مخلصانه فقط برای خدا داشته است (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۳۲).

ماهیت و کیفیت چنین علومی متفاوت و بسیار برتر از روش‌های تجربی مرسوم و طبیعی است که این قدرت علمی و بنیادین، در حوزه قدرت فقهی - سیاسی (فردی و اجتماعی) نیز اثر مستقیم و شگرفتی می‌گذارد؛ زیرا انسانی که صاحب قدرت علم و تشخیص و تدبیر صحیح، در اداره و هدایت امور ظاهری نیز موفق‌تر عمل می‌کند. همین مضمون، در یک حدیث قدسی به تفصیل آمده است که خداوند متعال سوگند یاد می‌کند که اگر بنده‌ای امر الهی را بر خواسته خودش مقدم بدارد، «ملائکه را به حفاظت او گماردم و آسمان‌ها و زمین را عهده‌دار تأمین روزی او ساختم، پشت سر معامله هر معامله‌گری من نفع او را در نظر می‌گیرم» (فهری زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۶۱).

✓ تأثیر ضعف و انحراف در قدرت معنوی در تحدید قدرت اعتقادی و قدرت

فقهی - سیاسی

از جمله روایات در این زمینه، حدیث قدسی است که خداوند متعال هم مسدود شدن راه معرفت و هم سرگردانی و انحراف در امور دنیا را صراحتاً از نتایج زیان‌بار انسانی می‌داند که میل و خواسته خود را بر دستورات و خواسته خداوند متعال ترجیح دهد (فهری زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۶۱).

✓ تأثیر کسب قدرت فقهی - سیاسی و قدرت معنوی در تولید و تقویت قدرت اعتقادی

احکام اسلام (فردی و اجتماعی) و دستورالعمل‌های معنوی، مانند تقوا، بنیان دستیابی انسان به اعتقادات مستحکم، حکمت‌ها، علوم و حقایق این عالم هستی به شمار می‌روند که مصادیق و دلایل فراوانی دارد، که در قسمت‌های مختلف این پژوهش هم به آن‌ها اشاره شده است و از جمله این حدیث نبوی که فرمودند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَزَّهَ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۱۲۸).

✓ تأثیر ضعف و انحراف در قدرت فقهی - سیاسی در تحدید قدرت معنوی و قدرت اعتقادی

در قرآن کریم، ارتباط مستقیمی میان از دست دادن قدرت ایمان و کافر شدن، به خاطر عدم پایبندی به احکام شریعت و عمل به خلاف آن، با زایل شدن قدرت‌های شناختی و معنوی برقرار شده است، مانند آن دسته از آیات که عبارات «ختم الله علی و طبع الله» برای «قلب، سمع و بصر» انسان به کار گرفته شده است که نمادهای قدرت شناخت، عقلانیت، علم، تشخیص و تدبیر هستند (قرآن کریم، ۲: ۶ و ۷؛ ۴: ۱۵۵؛ ۴۷: ۲۴ و ۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۲).

✓ تأثیر کسب قدرت فقهی - سیاسی در تولید و تقویت قدرت اخلاقی و معنوی
در معارف قرآنی و تعالیم اهل بیت^(ع)، برخی از نتایج عمل به احکام شرعی ذکر شده است و برای هر عمل، اثر خاصی هم در نظر گرفته شده است که منجر به تولید قدرت می‌کند که گستره آن، حتی معاملات و احکام مالی و اقتصادی اسلام را نیز در برمی‌گیرد. برای نمونه، یکی از آن‌ها صدقه، خمس و زکات است که ثمرات فراوانی از جمله در زمینه ایجاد انواعی از فضایل معنوی و پاکی باطنی و آماده شدن فرد و جامعه برای دریافت نعمت‌های بیشتر دارد (قرآن کریم، ۱۳۹۸، ۴۷: ۱۰۳).

۳. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مسئله بنیادین این پژوهش، ترسیم چهارچوب نظری قدرت فقهی بوده است تا صورت‌بندی جدیدی از قدرت را بر اساس منظومه فقهی اسلام به تصویر کشد. تأکید بر «فقه» و استفاده از آن در این پژوهش، بر اساس دکترین امام خمینی^(ره) در انسان‌سازی و جامعه‌سازی است، که بر مبنای معارف اسلامی، فقه را «تئوری واقعی

و کامل اداره انسان از گهواره تا گور» معرفی می‌کند که خود دارای سه عرصه اصلی «فقه اکبر»، «فقه اوسط» و «فقه اصغر» است. این عرصه‌شناسی فقهی، با تبیین ساحت‌های وجودی انسان، نیازمندی‌های هر یک، لایه‌های ضروری علم مطابق با شئون انسانی و ارتباط متقابل میان آن‌ها، بر اساس شرح امام خمینی (ره) از روایت مهمی از پیامبر اعظم (ص)، منتج به چهارچوب نظری فقهی در انسان‌سازی و جامعه‌سازی شد که در حقیقت نسبت‌شناسی میان عرصه‌های فقه، شئون انسان، علوم مورد نیاز و نظام تأثیرات متقابل محسوب می‌شود.

همین بخش از دستاوردهای پژوهش، نه تنها گام مهمی در دستیابی به هدف اصلی این مقاله است، بلکه یک مدل و چهارچوب تبیینی و کاربردی برای هر پژوهش دیگری، با مسائل و معماهای ضروری در حوزه فردی و اجتماعی، می‌باشد که نشان‌دهنده جامعیت اندیشه اسلامی برای پرداختن به هر موضوع در حیات بشری و عدم غفلت از ابعاد ظاهری و باطنی انسان و جامعه برای رشد آنان است.

در مرحله بعد، ضرورت دستیابی به صورت‌بندی فقهی ایجاب می‌کرد تا معناشناسی هر یک از این عرصه‌ها متناظر با مفهوم قدرت صورت پذیرد، لذا واژه جدیدی بنام «قدرت فقهی»، تبیین مأموریت‌ها و رسالت‌های آن‌ها و غایت‌شناسی و هدف از علم و عمل به هریک از آن‌ها در ابعاد فردی و اجتماعی، به درستی احصا و به‌طور دقیق مشخص شوند. از آنجا که، شرح هر یک از این موارد، از قالب مقاله فراتر است، به اختصار مورد بررسی قرار گرفتند تا فقط زوایای اصلی آن‌ها برای مخاطب، جهت نیل به هدف اصلی این تحقیق، روشن شود.

گام نهایی، قدم گذاشتن در معرفی نظام تأثیر و تأثر دوازده گانه میان عرصه‌های قدرت فقهی، هم در جهت تقویت و در جهت ضعف، است که یکی از نقاط پر جاذبه، کاربردی و متمایز معارف اسلامی درک صحیح از این منظومه قدرت فقهی است که تلاش شد، با عنایت به ظرفیت این نوشتار، محورها و برخی مصادیق مرتبط بیان شوند.

پس از گذر از این فرایندهای پیچیده و عمیق، آنچه به دست آمد، چهارچوب و مدلی از درک و به‌کارگیری قدرت است که هم در راستای تولید علم اسلامی-ایرانی و گشودن گره‌های اساسی کشور بر اساس مبانی و نظریات سیاسی اسلام باشد و هم قابل عرضه در فضای گفتمانی جهانی، در حل معمای قدرت برای بشریت و نجات آن از این سردرگمی و انحراف بزرگ باشد. بر این اساس، سیمای کلی «چهارچوب نظری قدرت فقهی در انسان‌سازی و تمدن‌سازی» به صورت زیر قابل ترسیم است:

جدول شماره ۴: چهارچوب نظری قدرت فقهی در انسان‌سازی و تمدن‌سازی

نسبت‌شناسی میان شئون و مقامات انسانی، علوم حیاتی، عرصه‌های فقهی و قدرت فقهی						
مقامات و نیازهای سه گانه انسان	علوم حیاتی برای انسان	عرصه شناسی	معنا شناسی عرصه‌ها	موضوع شناسی عرصه‌ها	غایت‌شناسی عرصه‌ها	
					عرصه فردی	عرصه اجتماعی
نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل	«ایه محکمه» (علوم فلسفی، حکمی و عرفانی)	قدرت در عرصه فقه اکبر	قدرتی که از علم و عمل به «ایه محکمه» در لسان حاصل می‌شود.	بینش‌ها، هست‌ها، حکمت نظری، جهان بینی، عقاید و فقه‌المعارف	رشد لسان حکیم (رشد شأن و مقام عقلی و ادراکی انسان)	رشد جامعه حکیم (رشد جنبه عقلانی جامعه)
نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌المجمین و مقام خیال	«فریضه عادلانه» (علم اخلاق و تصفیه قلوب)	قدرت در عرصه فقه اوسط	قدرتی که از علم و عمل به «فریضه عادلانه» در لسان حاصل می‌شود.	اخلاقی، فضائل و ردائل لسانی، ذهنیات و کلیه حالات و کیفیات نفسانی و اعمال قلبی و ادراکی اخلاقی لسان	رشد شأن و مقام ملک و عالم شهادت لسان	رشد جنبه‌های دنیوی، جسمانی و امور مادی جامعه (رشد جنبه عقلانی جامعه)
نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت	«حُتّ قلمه» (علم فقه، تدبیر منزل و سیاست مدن)	قدرت در عرصه فقه اصغر	قدرتی که از علم و عمل به «حُتّ قلمه» در لسان حاصل می‌شود.	رفتار و اعمال عبادی و دینی در حوزه احکام عملی اسلام	رشد شأن و مقام خیال و برزخی لسان	رشد جنبه‌های قلبی، اخلاقی و دینی جامعه

مراتب، سطوح و لایه‌های انسانی، علوم حیاتی، فقه و قدرت فقهی

با عنایت به ماهیت نظری و کاربردی این پژوهش، آن هم در مسئله مهمی به‌نام «قدرت»، پیشنهادهایی می‌توان ارائه داد که از آن میان، به چند نمونه بسنده می‌شود:

- نتایج این مقاله، که بر معارف اسلامی استوار است، در دیگر تحقیقات، به‌عنوان یک چهارچوب نظری عام و فراگیر مورد استفاده و استناد قرار گیرد، همان‌طور که بسیاری از نظریات دیگر پارادایم‌های فکری، در جوامع ما، برای درک مسائل و ارائه راه حل و به تبع آن‌ها تعیین سرنوشت یک کشور، مرجعیت پیدا کرده‌اند؛
- این نوشتار برای تبیین بهتر و کامل‌تر، می‌تواند به یک یا چند جلد کتاب گسترش یابد تا هم در نظریات و استنادات و هم در بیان مصادیق و کاربردها، طیف وسیعی از مطالب بدان افزوده شود؛
- مسائل دیگر فردی و اجتماعی، که نقش مهمی در ساخت و اداره انسان و جامعه دارند، با عنایت به این چهارچوب نظری مورد واکاوی قرار گیرند؛
- مقایسه تطبیقی میان چهارچوب‌های نظری و مدل‌های مختلف گفتمانی قدرت با آنچه در این مقاله ارائه شد، صورت پذیرد و ضمن بیان نقاط

اشتراک و افتراق، وجوه برتری و تمایز، میزان تطبیق آن‌ها با فطرت انسانی و دستیابی به غایت خلقت انسان نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ ➤ تلاش در جهت ترسیم مدل مفهومی و ساختاری نظام سیاسی مطلوب با عنایت به این چهارچوب نظری.



فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۸). تهران: پیام عدالت
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانشنامه سیاست. تهران: آگاه.
- آرون، ریمون (۱۳۷۰). مراحل اساسی در جامعه‌شناسی. (باقر پرهام، مترجمون) تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ ق). غررالحکم (تصحیح رجایی) (المجلد ۱). (مهدی رجایی، المحرر) قم: دارالکتب الاسلامی.
- ابن اثیر جزری، م. (۱۳۶۷). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر (نسخه چهارم، جلد ۲). (م. طناحی، تدوین) قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ ق). تحف العقول (الإصدار دوم). (علی اکبر غفاری، المحرر) قم: جامعه مدرسین.
- ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبیه الله (۱۴۰۴ ق، ج ۲۰). شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید (المجلد ۲۰). (محمد ابوالفضل ابراهیم، المحرر) قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- اجاقی، صبا؛ آقایی، سید محمود (۱۳۹۹). طراحی مدل مفهومی اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی. فصلنامه راهبرد.
- اشکوری، محمد فنایی (۱۳۹۵). ابعاد معرفت النفس و نقش آن در استكمال نفس انسانی (المجلد ۲). مجله حکمت اسلامی.
- بشیریه، ح (۱۳۸۶). آموزش دانش سیاسی. تهران: نگاه معاصر.
- بهرامیان، علی (۱۳۸۱، ج ۱۱). دائرة المعارف بزرگ اسلامی (المجلد ۱۱). تهران: مرکز دائرة المعارف اسلامی.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۹). ادب الهی. تهران: مصابیح الهدی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). اسرار عبادت (المجلد ۱). تهران: انتشارات الزهرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). توحید در قرآن. قم: اسراء.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۵). روش شناسی طراحی و تدوین الگوی مطلوب در پژوهش های راهبردی. فصلنامه راهبرد.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۰۲ ق). الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة. قم: مکتبه المفید.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۱). رساله نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور. قم: تشیع.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰). ولایت فقیه در حکومت اسلام (المجلد ۲). (محسن سعیدیان، و سید محمد حسین راجی، المحررون) مشهد: علامه طباطبایی.

- حنیف نیا، ابراهیم (۱۳۹۴). مهندسی اسلام (المجلد ۱). تهران: زنبق.
- حلی، احمد بن محمد ابن فهد (۱۴۰۴ ق، ج ۱). شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید (المجلد ۱). قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (جلد ۲۱ و ۱۲ و ۱۶ و ۱۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸)، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). صحیفه نور (المجلد ۱۴). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). صحیفه نور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۰). سر الصلوة: معراج السالکین و صلوة العارفين (المجلد ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸). آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۳/۰۸). بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۳/۱۴). بیانات به مناسبت سالگرد ارتحام امام خمینی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۱۰/۲۹). بیانات در دیدار با جمعی از نخبگان حوزوی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۶/۳۰). بیانات با اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر.
- شریفی، حسین (۱۳۹۷). معرفت نفس در آثار علامه حسن زاده (المجلد ۲). مجله نسیم خرد.
- صبحی صالح (۱۳۷۴). نهج البلاغه. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- صفوی، س (۱۳۷۴). مفهوم تقوا و کاربرد آن در قرآن کریم (جلد شماره ۴). فصلنامه پژوهش‌های قرآنی طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن (المجلد ۶). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان (الإصدار چاپ پنجم، المجلد ۱ و ۹ و ۱۷ و ۱۹). (محمدباقر موسوی همدانی، المترجمون) قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). آغاز فلسفه (ترجمه بدایه الحکمه) (جلد ۱). ه. خسروشاهی، تدوین، گرامی، مترجم) قم: موسسه بوستان کتاب.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا، ج ۷). ترجمه تفسیر مجمع البیان (المجلد ۷). (حسین نوری، المترجمون) تهران: فراهانی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳، ج ۱). شرح اصول کافی (المجلد ۱). (محمد خواجوی، المحرر) تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق، ج ۱). مصباح المتبجد (المجلد ۱). (علی اصغر مروارید، و ابوذر بیدار، المحررون) بیروت: موسسه فقه الشیعه.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵، ج ۱). علل الشرائع (الإصدار چاپ اول، المجلد ۱). قم: کتاب فروشی داوری.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. تهران: نشر پرتو.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق، ج ۳). التفسیر الکبیر (المجلد ۳). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فهری زنجانی، احمد (۱۳۸۸). شرح و ترجمه صحیفه سجادیه. تهران: اسوه
- فیروزآبادی، مجدالدین أبو طاهر محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ ق). القاموس المحيط. (محمد نعیم العرقسوسی، إشراف). بیروت: مؤسسه الرساله للطباعة والنشر والتوزيع
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). اصول کافی (المجلد ۱). (مهدی آیت اللهی، المحرر) تهران: جهان آرا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. (علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تحقیق و تصحیح). تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). اصول کافی. (مهدی آیت اللهی، تحقیق). تهران: جهان آرا.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۴۲)، شرح الکافی. (میرزا ابوالحسن شعرانی، تعلیقات)، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. (جمعی از محققان، تحقیق و تصحیح). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- مشکانی سبزواری، عباسعلی؛ مشکانی سبزواری، عبدالحسین (۱۳۹۰). درآمدی بر فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری. مجله حکومت اسلامی، شماره ۲، ۱۵۵-۱۸۴.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه
- مهریزی، مهدی؛ درایتی، محمدحسین (۱۴۲۹ ق). تراث الشیعه الفقهی و الاصولی. قم: المکتبه المختصه بالفقه و الاصول.
- ملامحسن فیض کاشانی (۱۴۱۵ ق، ج ۵). تفسیر الصافی (المجلد ۵). تهران: انتشارات الصدر.
- مهدی مهریزی؛ محمدحسین درایتی. (۱۴۲۹ ق، ج ۱). تراث الشیعه الفقهی و الاصولی (المجلد ۱). قم: المکتبه المختصه بالفقه و الاصول.
- مولی هادی بن مهدی سبزواری (۱۳۸۳). اسرار الحکم فی المفتاح و المختتم. (کریم فیضی، المحرر) قم: مطبوعات دینی.
- میرزا حبیب الله هاشمی خویی (۱۴۰۰). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. (محمدباقر کمره ای، ابراهیم میانجی، المحررون، و حسن حسن زاده آملی، المترجمون) تهران: مکتبه الاسلامیه.
- ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. (حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره ای، ترجمه). (ابراهیم میانجی، محقق / مصحح). تهران: مکتبه الاسلامیه.
- هروی، ابوعبید احمد بن محمد (۱۴۱۹ ق). الغریبین فی القرآن و الحدیث. مکه مکرمه: مکتبه نزار مصطفی الباز.

References

- Quran (2018). Tehran: Payame Edalat. (In Arabic)
- Aron, Raymond (1991). The basic stages of thought in sociology. (Bagher Parham, translation). Tehran: Islamic Revolution Education Publications. (In Persian)
- Ashouri, Dariush (1994). Encyclopedia of politics. Tehran: Aghaz. (In Persian)
- Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1989). Ghorar al-Hikam (Mehdi Rajaei, compilation and correction). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. (In Arabic)
- Alam, Abdurrahman (1994). Foundations of political science. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Abdul Baqi, Mohammad Fouad (1985). Index dictionary for the words of the Holy Qur'an. Tehran: Parto Publishing. (In Arabic)
- Bahramian, Ali (2002). The great Islamic encyclopedia. Tehran: Islamic Encyclopedia Center. (In Persian)
- Bashirieh, Hossein (2007). Teaching political knowledge. Tehran: Naghahe Moaser publishing house. (In Persian)
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1999). The great interpretation. Beirut: A house to revive the Arab heritage. (In Arabic)
- Fanai Ashkouri, Mohammad (2015). The dimensions of self-knowledge and its role in the perfection of the human soul. Islamic Wisdom Journal, 3(2). (In Persian)
- Fahri Zanjani, Ahmed (2009). Commentary and translation of Sahifah Sajjadiyeh. Tehran: Osveh Publications. (In Persian)
- Firouzabadi, Majid al-Din Abu Tahir Muhammad bin Yaqoob (2005). The surrounding dictionary. (Mohammed Naeem al-Arqhososi, Supervisor). Beirut: Al-Risalah Foundation for Printing, Publishing and Distribution. (In Arabic)
- Feize Kashani, Mohsen (1994). Al-Safi interpretation. Tehran: Sadr Publications. (In Arabic)
- Hassanzadeh Amoli, Hassan (1992). Treatise of light on light in Mention and Mentioner and the mentioned. Qom: Shia. (In Persian)
- Hajiani, Ibrahim (2015). Methodology of designing and compiling the optimal model in strategic researches. Strategy Quarterly. 25(1). 5-28. (In Persian)
- Hosseini Tehrani, Seyyed Mohammad Hossein (2010). Velayat al-Faqih in Islamic government. (Mohsen Saidian and Seyed Mohammad Hossein Raji, research and editing). Mashhad: Allameh Tabatabai. (In Persian)
- Horre Ameli, Muhammad bin Al-Hassan (1884). The jewels of Sunnism in the holy hadiths. Qom: Muqabah al-Mofid. (In Arabic)
- Hashemi Khoie, Mirza Habibullah (2021). Al-Bara'ah curriculum in explaining Nahj al-Balagha. (Ebrahim Mianji, researcher&corrector). Tehran: Maktabeh al-Islamiya. (In Arabic)
- Heravi, Abu Ubaid Ahmad bin Muhammad (1998). Strangers in the Qur'an and Hadith. Makkah: Nizar Mustafa Elbaz School. (In Arabic)
- Ibn Fahd Hali, Ahmad Ibn Muhammad (1983). Commentary on Nah al-Balaghah by Ibn Abi al-Hadid. Qom: School of Ayatollah al-Marashi al-Najafi. (In Arabic)

- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hiba Allah (1983). Description of Nahj al-Balaghah by Ibn Abi al-Hadid. (Muhammad Abulfazl Ibrahim, research and correction). Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi Library, first edition. (In Arabic)
- Ibn Athir Jazri, Mubarak bin Muhammad (1988). Al-Nahaye Fi Gharib Hadith and Al-Athar. (Taher Ahmad Zawi and Mahmoud Mohammad Tanawi, edited). Qom: Ismailian Press Institute. (In Arabic)
- Ibn Shuba Harani, Hasan bin Ali (1943). gift of wisdom (Ali Akbar Ghafari, research and correction). Qom: Society of teachers. (In Arabic)
- Javadi Amoli, Abdullah (1993). The mysteries of worship. Tehran: Al-Zahra Publications. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah (2015). Monotheism in the Qur'an. Qom: Israa. (In Persian)
- Khamenei, Seyed Ali (2011/05/29). Statements in the meeting with the representatives of the Islamic Council. Available in: (In Persian)
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۲۵۵۹>
- Khamenei, Seyyed Ali (2016/06/03). Statements on the occasion of the death anniversary of Imam Khomeini. Available in: (In Persian)
- Khamenei, Seyyed Ali (2004/01/19). Statements in a meeting with a group of seminarian elites. Available in: (In Persian)
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id>
- Khamenei, Seyed Ali . Statements in the meeting with different groups of people on the occasion of Ghadir Eid. Available in: (In Persian)
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34429>
- Khomeini, Ruhollah (1994). The Book of Light. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Khomeini, Seyed Ruhollah (2007). Imam's book .Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (2002). Philosophy speeches of Imam Khomeini. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian)
- Khomeini, Seyed Ruhollah (2001). Forty hadiths. Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute. (In Persian)
- Khomeini, Ruhollah (2018). Sir al-Salwa: Miraj al-Salkin and Salwa al-Arifin. Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute. (In Persian)
- Khomeini, Seyed Ruhollah (2009). Etiquette of prayer. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian)
- Kalini, Muhammad bin Ya'qub (1986). Al-Kafi (Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi, research and correction). Tehran: Islamic Books Dar. (In Arabic)
- Kolehini, Muhammad bin Yaqub (2008). Principles of al-Kafi. (Mehdi Ayatollahi, research). Tehran: Jahan-ara. (In Arabic)
- Mazandarani, Mohammad Saleh (1963). Explanation of Al-Kafi. (Mirza Abulhasan Shaarani, Comments), Tehran: Islamic Library. (In Arabic)
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1982). Seas of light. (a group of researchers, research and correction). Beirut: Arab Heritage Revival House. (In Arabic)
- Meshkani Sabzevari, Abbas Ali and Meshkani Sabzevari, Abdul Hossein (2013). An introduction to government jurisprudence from the Supreme Leader's point of view. Journal of Islamic Government, No. (In Persian)

- Makarem Shirazi, Nasser (1995). Excellent interpretation. Tehran: House of Islamic Books. (In Persian)
- Mehrizi, Mehdi, and Derayati, Mohammad Hossein (2008). The Shiite jurisprudential and fundamentalist heritage. Qom: The library specialized in jurisprudence and principles. (In Arabic)
- Ojaghi, Saba and Aghaei Firouzabadi, Seyed Mahmoud (2019). Designing a conceptual model for the implementation of the Islamic-Iranian model of progress with an emphasis on the statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution. Strategy Quarterly. 29(1).67-96. (In Persian)
- Safavi, Seyed Nasser (1995). The concept of piety and its application in the Holy Quran, Fasanama of Quranic researches. Number ۴. Special issue of Qur'an and Fiqh, pp. (In Persian)
- Sabzevari, Hadi bin Mahdi (2013). Secrets of wisdom in the opening and closing. (Karim Fayzi, research and correction). Qom: Religious Press. (In Arabic)
- Sharifi, Hossein (2017). Self-knowledge in the works of Allameh Hassanzadeh. Nasim Khord Magazine, No. 2, Autumn and Winter,. (In Persian)
- Saleh, Sobhi (1995). Nahj al-Balagha. Qom: Islamic Research Center. (In Arabic)
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad bin Ibrahim (1383). Explanation of the principles of al-Kafi. (Mohammed Khajawi, research and correction). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. (In Arabic)
- Sadouq, Muhammad bin Ali (2006). Reasons for the laws. Qom: Davari bookstore. (In Arabic)
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1995). Translation of Tafsir al-Mizan. (Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Translator). Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers. Fifth Edition .(In Persian)
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (2008). The beginning of philosophy Through the efforts of Hadi Khosrow Shahi. (Mohammed Ali, translation) Qom: Bostan Kitab Institute. (In Persian)
- Tabatabai, Mohammad Hossein (1996). The Libra in the interpretation of the Qur'an. Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic)
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (without date). The translation of Majma Albayan interpretation. (Hossein Nouri Hamedani, translation). Tehran: Farahani. (In Persian)
- Tehrani, Mojtaba (2019). Divine literature .Tehran: Masabih Al-Hadi. (In Persian)
- Tusi, Muhammad bin Hassan (1990). Misbah al-Mutahejad. (Ali Asghar Marwarid and Abuzar Bidar, research). Beirut: Fiqh al-Shia Institute.